

دشواری‌های تصوف پژوهی نگاهی به کتاب

پشمینه پوشان؛ فرهنگ سلسله‌های صوفیه

سیدمسعود رضوی



علی سیدین، پشمینه پوشان؛ فرهنگ
سلسله‌های صوفیه، تهران: نشر نی،
۱۳۸۷.

تصوف از چنان اهمیتی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردار است که برخی از بزرگان، آن را باطن این فرهنگ دانسته‌اند؛ اما درست در نقطه مقابل، گروهی آن را انحرافی از وحی و حقیقت شریعت اسلامی قلمداد کرده و مورد نقد قرار داده‌اند. استاد دکتر سیدحسین نصر معتقد است: «تصوف - به معنی کلی‌تر آن، عرفان - مهم‌ترین تبلور ساخت درونی وحی اسلامی است که طی چهارده سده گذشته در سراسر جهان اسلامی، از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر، و از آسیای میانه تا آفریقای جنوبی تجلیات بسیار مهمی داشته، و از سده ۲ ق / ۸ م به بعد، تأثیر آشکاری بر ساختار جوامع اسلامی گذاشته است که بیشتر در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی مشهود است. این حقیقت درونی وحی اسلامی همچنین مهم‌ترین تأثیر را در اندیشه و هنر اسلامی، از فلسفه و شعر و ادب تا موسیقی و معماری داشته است ... تاریخ هیچ یک از ممالک اسلامی را - به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و فکری - بدون توجه به اهمیت تصوف در دیار مورد نظر نمی‌توان نوشت»^۱.

به‌رغم چنین نظر ستایش‌آمیزی، «از ابتدای شکل‌گیری تصوف، آراء و عادات صوفیان نقد و ارزیابی می‌شد. در حقیقت بسیاری از انتقادات عالمان و فقیهان به صوفیان، هم‌زمان و حتی پیش‌تر، در کلام خود صوفیه نیز آمده بود و کوچک‌ترین کج‌روی از دید نقادان این گروه پوشیده نمی‌ماند»^۲. این دو دیدگاه را در آثار قداما هم می‌بینیم. آن‌جا که

هجویبری می‌نویسد: «و صوفی نامی‌ست مَر کاملان را و محققان اولیاء را ... آن که به محبت مصفاً شود، صافی بود و آنک مستغرق دوستی شود و از غیر دوست بری شود، صوفی بود... صوفی آن بود که از خود فانی بود و به حق باقی، از قبضه طبایع رسته و به حقیقت حقایق پیوسته».^۲ و نیز همو از قول ابوالحسنین نوری در تعریف تصوف نوشته است: «تصوف آزادی بود کی بنده از بند هوا آزاد گردد».^۳ تهانوی هم در کشف‌تصوف را در اصطلاح اهل عرفان چنین وصف کرده: «پاکیزه کردن دل است از محبت ما سوی الله و آراسته کردن ظاهر است، من حیث‌العمل و الاعتقاد با مأموران و دور بودن از منہیات و مواظب بودن به فرموده رسول خدا علیه الصلوه والسلام».^۴

در مقابل، بسیاری از فقها، متکلمان و اهل فرهنگ و ادب به نقد تصوف برخاسته و رساله‌ها در این باب پرداخته‌اند. بسیاری از صوفیان بزرگ به قتل رسیده و جمع زیاد آواره و گریزان و در شرایط دشوار زیسته‌اند. با این حال، همیشه درویشان و خانقاه‌نشینان و صوفیان، از سوی بسیاری از مردم مورد استقبال قرار گرفته و مریدان فراوان داشته‌اند. گاه کارشان بالا می‌گرفته و حتی حاکمان و منتقدان به دیدار و تبرک و دست‌بوسی مشایخ تصوف می‌شتافته‌اند.

این مسائل، سرانجام موجب ریاورزی و ظاهرگرایی و دنیاطلبی شد و نقدهای تند بر این گروه رواج یافت. حافظ یکسره در دیوان خود، واژه «صوفی» را در معنای منفی و نقدپذیر به کار می‌گیرد. از جمله:

صوفی نهاد دام و سرحقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد^۵

و نیز شیخ سعدی در گلستان در حکایتی فرماید: «یکی را از مشایخ شام پرسیدند از حقیقت تصوف. گفت: پیش از این طایفه‌ای در جهان بودند به صورت پریشان و به معنی جمع، اکنون جماعتی هستند به صورت جمع و به معنی پریشان»^۶ و بالاخره مولانا عبید زاکانی، منتقد و طنزنگار کلاسیک ایران در عبارتی و حکایتی نغز، این‌گونه نقدی گزنده بر صوفیه می‌نویسد: «صوفیی را گفتند: خرقة خویش بفروش. گفت: اگر صیاد دام خود فروشد، به چه چیز شکار کند؟»^۷

به رغم همه این نوشته‌ها، صوفیان توانستند به تدریج بر کمیّت اجتماعات و کیفیت مدعیات خود بیفزایند و به مرور زمان تبدیل به فرهنگی موسّع با آثاری پرتعداد و نحله‌هایی فراوان شدند. در طول قرون و اعصار، گرایش‌ها و ذائقه‌های متنوعی در میان اهل تصوف پدید آمد و هر یک با سلسله و مشایخ و عقاید و مصطلحات و آداب خاص خود، نامی برخوردار

نهاد و طریقتی بنیان نهادند. این طریقه‌ها، گاه به هم نزدیک، گاه با هم متفاوت و حتی گاه در تخالف و تضاد یکدیگر بودند. وجود این جریان‌ها، به همراه مجموعه عظیمی از آثار و آداب و مشایخ و عقاید و حالات و مقامات و اصطلاحات، به تدریج کار فهم تصوف را در ایران و جهان اسلام دشوار ساخت. خاصه آن‌که صوفیان در سلاسل گونه‌گون، از غرب چین و شبه قاره تا اندلس و شمال آفریقا، هر یک بر بستر و تمایل و فرهنگ و زبانی متفاوت بالیده و تناور شده بودند. اینها لزوم مآخذشناسی و فرهنگ‌نگاری در این زمینه را بسیار الزامی ساخت و کار ورود به مباحث تصوف و دنیای صوفیان را امری تخصصی و بسیار دشوار نمود. تخصصی که نه تنها بر جنبه‌های تاریخی، بلکه نوعی تأویل و هرمنوتیک، ادبیات وسیع، بسترهای رازورانه و نهان‌گرایی (ورود به جهان اسرار)، درک فرقه‌های سرّی و باطنی، فرقه‌شناسی (از قلندریه تا فتوت و اخوت)، ریشه‌شناسی تئوریک و ... تا اصطلاح‌شناسی را در برمی‌گرفت.

در این عرصه، نخستین تلاش‌ها برای کاهش مشکلات محققان، و مساعدت به پژوهندگان و تازه‌واردان به عرصه عرفان و تصوف، نگارش کتب تعلیمی بود. آنچه از سوی پیران و مشایخ و استادان در نهان یا در خانقاه تقریر و تعلیم می‌شد، در این کتب و رسالات، مکتوب و تدوین می‌گردید و صاحبان اشتیاق و واجدان استعداد به فراخور حال آن را دریافته و از طریق آن به علم طریقت و سفر به سوی حقیقت راه می‌جستند.

برخی از مهم‌ترین این آثار در زبان پارسی عبارت‌اند از: کشف‌المحجوب هجویری، رساله قشربیه، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه اثر عزالدین محمود کاشانی، مرصاد‌العباد نجم‌الدین رازی و امثال آن به نثر. در کنار این آثار، به نظم نیز کتب و منظومه‌های مهمی در این عرصه خلق شد که بی‌شک مهم‌ترین آنها حدیقه‌الحقیقه اثر سنایی غزنوی، مجموعه آثار عطار نیشابوری - خاصه منطق‌الطیر - و مثنوی مولانا جلال‌الدین و گلشن‌راژ شیخ محمود شبستری است.

یک نوع دیگر از آثار صوفیه، شرح حالات و احوالات و کرامات بزرگان تصوف است که گاه در مورد یکی از مشایخ و گاه درباره گروهی یا سلسله‌ای از ایشان نوشته شده است. از جمله اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید اثر محمد بن منور، تذکره الاولیاء از عطار نیشابوری و نفحات‌الانس نورالدین عبدالرحمان جامی و از متأخرین سفینه‌الاولیاء و سکنه‌الاولیاء اثر محمد داراشکوه.

گروه دیگر از کتب صوفیه، رسایل و کلمات و شطحیان و قصارات ایشان است. مانند مناجات‌خواجه عبدالله انصاری و



کلمات قصار وی یا نامه‌ها و کتب و رسائل عین القضاة همدانی نظیر تمهیدات و شکوی الغریب و نامه‌ها و مقالات شمس تبریزی و مانند این نوع آثار.

این‌ها نمونه‌هایی از آثار و منابع صوفیه‌اند که البته منحصر به همین‌ها نیست. بخش مهمی از مآخذ مربوط به صوفیه در کتب مختلفی نظیر «فتوت نامه‌ها» و «حکایات» و «مقامه‌ها» و «جنگ‌ها» و ... منتشر است و محقق بصیر نمی‌تواند از هیچ یک صرف‌نظر کند. در کنار این آثار، انواعی از فرهنگ‌نامه‌های صوفیه را نیز می‌توان سراغ گرفت که بخشی نظیر کتب تذکره، در موضوع رجال‌شناسی تصوف کاربرد دارند و برخی در عرصه اصطلاح‌شناسی صوفیه. در این زمینه معروف‌ترین کتاب را عبدالرزاق کاشانی به نام اصطلاحات صوفیه نوشته است. بجز او، انیس العشاق شرف‌الدین رامی، لطیفه غیبیه اثر دارابی و خصوصاً مرآت عشاق از مؤلفی ناشناخته قابل توجه است. در دوران جدید نیز فرهنگ اصطلاحات عرفانی اثر مرحوم استاد سید جعفر سجادی، فرهنگ اصطلاحات تصوف از مرحوم دکتر سید صادق گوهرین در زمره آثار مهم و درجه اول در اصطلاح‌شناسی صوفیه محسوب می‌شود.

با وجود تمام این منابع، باید توجه داشت که هنوز راه درازی تا حصر فرهنگ و مسائل و تاریخ تصوف در پیش است و این حصر و محدودیت، برای پژوهندگان جوان و دانشجویان بیشتر است، زیرا آنان نیازمند کتاب‌های راهنمایی هستند که عجاناً زمینه مطالعات بهتر و ژرف‌تر و گسترده‌تر را برای آنان فراهم کند و ضمناً مرجع معرفی مآخذ و مسائلی باشد.

کتاب ابتکاری و جالب آقای علی سیدین با عنوان پشیمنه‌پوشان و عنوان فرعی فرهنگ سلسله‌های صوفیه که اخیراً از سوی نشر نی منتشر شده، واجد چنین خصوصیتی است. این کتاب از آن نظر ابتکاری است که به شیوه امروزی به کار معرفی مدخل‌هایی منحصر به فرق و سلسله‌های صوفیه پرداخته و به سیاق فرهنگ‌نامه‌های امروزی بدین کار مبادرت کرده است. البته در گذشته، برخی نویسندگان و تصوف‌پژوهان به این کار پرداخته بودند. خاصه در هند که فرقه‌ها و سلاسل متعددی بود، اما آنها همچنان متعلق به دوره قدیم و فاقد استانداردهای آکادمیک در روزگار ما هستند.

پشیمنه‌پوشان کتاب بسیار مفیدی است، زیرا کلیه پژوهش‌گران در عرصه تصوف و دین و ادبیات و تاریخ و ... مکرر در متون کلاسیک به نام و عنوان این گروه‌های مختلف و پرتعداد برمی‌خورند و این تنها مربوط به عصور قدیم‌تر نیست، در ادوار جدیدتر نظیر دوره قجر و پهلوی و حتی دهه‌های پس از انقلاب اسلامی نیز به برخی فرق نوظهور برمی‌خوریم و

این‌ها از انجمن‌های قلندری و اخوتی و فتوتی تا شاخه‌ها و زیرشاخه‌های فرق صوفیه را در برمی‌گیرد. از گروه‌های معتدل تا غالبان موسوم به علی‌اللهی و از انجمن‌های سری تا محافل علنی همگی در این عرصه و در این حوزه قابل مطالعه‌اند.

علی سیدین، نویسنده پشیمنه‌پوشان، در مقدمه‌ای ۲۵ صفحه‌ای نکاتی درباره تصوف و مسائل کلی مربوط بدان نکاتی نوشته است که البته از سنخ کلیات مفید است و بهتر بوده در باب دلایل و ضرورت‌های چنین فرهنگ تخصصی و ویژه‌ای سخن می‌گفت. و نیز درباره روش‌شناسی، مآخذها و منابع و سرانجام کیفیت تدوین اثر و بهینه‌ترین شیوه‌ها و مسائل برای استفاده از آن. مدخل‌های پشیمنه‌پوشان، از یک سطر تا چند صفحه را در برمی‌گیرد. این مسئله، البته توجیه دارد و آن اینکه همه فرق و سلاسل صوفیه به یک اندازه مهم نیستند و شاید منابع هم به‌قدر کفایت در مورد همه آنها نباشد. ولی گاه درباره برخی به تاریخچه بسنده شده و برخی دیگر نسب‌شناسی شده و بعضی هم با ذکر آداب و شرایع و سنن مذکور افتاده‌اند تعدادی نیز با ذکر نظرات منتقدان آورده

شده و برخی از حد نیم سطر و فاقد هرگونه تعریف و در حد یک تاریخ میلادی در کتاب ثبت شده‌اند؛ مثلاً: «طالبیه: از صوفیه مراکش در قرن ۱۹». و این نقص بزرگی است، زیرا سلسله‌های معروف و ایرانی بسیار ممتع و با ذکر منابع متعدد تعریف شده و سلاسل دورتر، خاصه در آفریقا - و برخی در هند - در حد اسمی و تاریخی و گاه حتی در غیاب تاریخ، صرفاً با ذکر نام محل و منطقه‌ای آمده‌اند. از برای مثال: «مدینین: فرقه‌ای بوده‌اند در مرو». قابل درک است که صوفیه متعلق به گروه‌های سَری و نهان‌گرا بوده و بسیاری از آن‌ها، از باب حفظ اسرار یا از بیم اهل ظاهر، خود را عیان نکرده و عقاید خویش را پنهان می‌کرده‌اند. واقعاً درباره‌ی بسیاری از آن‌ها جز نامی در میان نیست، اما اینها کم‌تعدادند و لازم بود در مقدمه این مسئله توضیح داده می‌شود. اما در مورد برخی دیگر نظیر «مشارعیه: طریقه‌ای صوفی از قادریه یمن»، کتاب و منبع هست و می‌شد در حد یکی دو پاراگراف و حتی بیشتر سخن گفت. هم‌چنین در باب فرق تصوف در ترکیه و امثالهم.

مؤلف می‌باید حداقل در مقدمه، در باب منطقه‌شناسی و اقلیم‌شناسی صوفیان، حتی تفاوت انجمن‌های شهری، کوه‌نشینان و غربت‌گزینان در کوهستان‌ها، فرقه‌های عامیانه‌تر در روستاها و ... توضیحاتی می‌داد. این‌ها همه از لوازم مقدماتی برای چنین فرهنگی محسوب می‌شود. در حالی که بسیاری از مدخل‌ها، صرفاً با استناد به فرهنگ فرق اسلامی مرحوم استاد محمد جواد مشکور یا برخی دائرة‌المعارف‌ها آمده است. کار دکتر مشکور در زمانی انجام شده بود که بسیاری از منابع مهم امروزی در اختیار و دسترس نبود.

این مسائل، اجمالاً نکاتی بود درباره کتاب پشمینه‌پوشان یا فرهنگ سلسله‌های صوفیه اثر آقای علی سیدین. اما هیچ - یک نقص غیرقابل رفعی محسوب نمی‌شود. برعکس، می‌تواند مقدمه و نقطه شروعی برای تکمیل تحقیق باشد و ارزش آن را دارد که طی سال‌های بعد، با مطالعات افزون‌تر و عمیق‌تر و دسترسی به منابع بیشتر، فرهنگی مفصل‌تر و کامل‌تر - تا حد چند برابر حجم این فرهنگ - کاری بزرگ و ماندگار خلق شود و چه کسی بهتر از علی سیدین که مقدمات و ذهنیات لازم برای این امر مهم را فراهم آورده است.

تا پیش از این اثر، کتاب قابل اتکایی درباره شناخت‌نامه سلسله‌های صوفیه نبود. جز تواریخ عمومی تصوف یا شناخت - نامه‌های کلی که بهترین آن در دوران ما سه کتاب استاد فقید دکتر عبدالحسین زرین‌کوب به نام‌های ارزش میراث صوفیه، جستجو در تصوف و دنباله جستجو در تصوف بود. برخی آثار

استاد نصر، دکتر علی اصغر حلبی، استاد شفیعی کدکنی، استاد علامه بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر مشکور، دکتر گوهرین، دکتر نصرالله پور جوادی، نجیب مایل هروی و نورالدین مدرس‌ی چهاردهی و ... نیز برای گنجینه می‌افزود، اما هیچ‌یک کارکردی دائرة‌المعارفی نداشته‌اند. در سال ۱۳۶۰، انتشارات بتونک کتابی از آقای مدرس‌ی چهاردهی با عنوان سلسله‌های صوفیه منتشر کرد و بهار ۱۳۷۰، انتشارات پازنگ کتاب دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران را منتشر کرد. امثال این کتب کم نیستند و بسیار هم مفیدند، اما هیچ‌یک جای فرهنگ سلسله‌های صوفیه را برای دانشجویان و تصوف‌پژوهان نمی‌گیرد. بنابراین، قدم این نورسیده را گرامی می‌داریم و امیدواریم در سال‌های بعد با پژوهش و گسترش بیشتر مطالب این کتاب مفید، خلعتی دیبا بر تن پشمینه‌پوشان پوشانده شود.

الحمد لله اولاً و آخراً

پی‌نوشت‌ها:

۱. دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد پانزدهم، ص ۳۹۶
۲. همان، ص ۳۵۳
۳. کشف‌المحجوبه ابولحسن علی بن عثمان بن ابی‌علی الجلابی الهجویری الغزنوی، تصحیح والتین ژوکوفسکی، به کوشش محمد عباسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶، صص ۳۹ و ۴۰
۴. همان، ص ۴۸
۵. کشف اصطلاحات الفنون، مولوی محمد علی بن علی التهانوی، تصحیح محمد وجیه، مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر، کلکته ۱۸۶۲، ج ۱، ص ۸۴۰
۶. دیوان حافظ، تصحیح غنی - قزوینی، علمی ۱۳۵۴، ص ۱۱۳
۷. گلستان، نقل از کلیات سعدی، هرمس ۱۳۸۵، ص ۱۰۳
۸. کلیات عبیدزاکانی، تصحیح پرویز اتابکی، زوار ۱۳۷۹، ص ۴۲۱